



تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

دانیال رضاپور^۱ | مصطفی صبوری^۲

شماره ۱ (۳۲)

سال ۱۱
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۱/۰۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۳/۲۱
صص: ۶۹-۹۳



چکیده

اهمیت منطقه غرب آسیا در اتصال به سه دریای مدیترانه، دریای سرخ و خلیج فارس به انضمام دارا بودن ذخایر سرشار هیدروکربنی، بازار مصرف و نیز ظرفیت جذب سرمایه‌گذاری‌های سودآور در زیر ساخت‌های آن توجه چین را به منطقه یاد شده تشدید کرد. پکن تلاش دارد تا روابط اقتصادی-سیاسی خود را در منطقه با طرح انواع مشارکت و همکاری به پیش ببرد که در این میان ایران و عربستان سعودی از جایگاه خاصی برخوردار هستند. هدف این مقاله تبیین سیاست موازنه‌سازی چین در قبال ایران و عربستان در یک دهه اخیر با تمرکز بر مفهوم موازنه‌سازی منطقه‌ای می‌باشد. از این رو سؤال اصلی پژوهش بدین گونه مطرح می‌شود که چین با استراتژی موازنه‌سازی میان ایران و عربستان سعودی چه هدف‌های را در غرب آسیا و خلیج فارس دنبال می‌کند؟ یافته‌های پژوهش بدین گونه است که چین با همراهی ابر پروژهای (یک کمربند-یک راه) اولاً به دنبال تأمین امنیت انرژی خودش می‌باشد، دوماً به دلیل تقابل آشکار و پنهان با نظم آمریکایی در منطقه غرب آسیا ضمن احترام به حاکمیت این دو کشور، باعث همسویی و حمایت از امنیت ایران و عربستان در قبال تحولات منطقه و اتخاذ سیاست موازنه‌سازی در منطقه غرب آسیا شده است. روش پژوهش این نوشتار روش کیفی مبتنی بر مفهوم موازنه‌سازی است و داده‌های نوشتار با تکیه بر منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: ج.ا. ایران، عربستان، چین، موازنه‌سازی منطقه‌ای، غرب آسیا، ابتکار یک کمربند یک راه

DOI: 10.27834999/CSIW.2401.1359.1.32.5

^۱ استادیار گروه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول)

danyalrezapoor@guilan.ac.ir

^۲ دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران m.sabori@ut.ac.ir



مقدمه

بر اساس محاسبات استراتژیک در بعد بین‌المللی حضور چین در منطقه خلیج فارس در مقایسه با چند دهه پیش بسیار سیر صعودی داشته است. فاصله نزدیک غرب آسیا به ویژه خلیج فارس در کنار ذخایر بزرگ و تمام نشدنی نفت و گاز در این منطقه سبب شده است تا کشورهای این منطقه جایگاه خاصی را در تدوین راهبردهای انرژی چین داشته باشند. منطقه غرب آسیا با احتساب حدود ۸۰۰ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام، به بازیگر برجسته بازار جهانی انرژی تبدیل شده است. منابع نفتی غرب آسیا بیش از ۶۰ درصد اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهد و تخمین زده می‌شود که حدود ۴۷ درصد از واردات نفت چین را در اختیار داشته باشد که تا سال ۲۰۳۵ با رشد ۷۲ درصدی پیش بینی شده است (Torabi and Kaveh, 2022: 14). از سال ۲۰۱۳، ابتکار کمربند و جاده چین، یک پروژه بزرگ گسترده که هدف آن افزایش ارتباطات تجاری در سراسر آسیا و فراتر از آن است، به یک نقطه مهم در روابط چین و خلیج فارس تبدیل شده است. با این حال، تعامل با خلیج فارس با یک مشکل همراه است. این منطقه دارای گره‌های ناامنی است که عمدتاً بر اساس تصورات تهدید درون منطقه‌ای و امنیتی سازی شدید ایجاد شده است. رقابت عربستان سعودی با ایران در مرکز این ناامنی منطقه‌ای قرار دارد. فرهنگ سوءظن و تنش متقابل که در تار و پود روابط بین‌الملل خاورمیانه نفوذ دارد ناشی از دهه‌ها رقابت میان این دو کشور است. رقابتی که به‌ویژه از سال ۲۰۰۳ در نتیجه حمله ایالات متحده به عراق، که موجب حذف رژیم صدام حسین به عنوان رقیب هژمونی منطقه شد، افزایش یافت. برخلاف ایالات متحده، که از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ نقش محوری در تقویت ماهیت تفرقه‌انگیز روابط ایران با عربستان ایفا کرده چین روابط گسترده و گرمی را با ایران داشته است. در این بین عربستان سعودی با توجه به اینکه ریاض هر زمان که واشنگتن نشانه‌هایی مبنی بر کاهش موضع خود در قبال ایران نشان داده است اعتراض کرده است، منطقی است که این سؤال مطرح شود که آیا استراتژی چین «با همه دو ست با شیم و دشمن هیچکس نباشیم» در این منطقه به شدت امنیتی شده می‌تواند پایدار باشد؟

این مقاله با در نظر گرفتن استراتژی موازنه‌سازی روابط با رقبای منطقه‌ای در بافت تاریخی، چگونگی مدیریت روابط چین و ریاض را به‌ویژه از آغاز قرن بیست و یکم به بعد و این که آیا روابط چین و ایران بر نوع روابط عربستان و وجهه چین در عربستان سعودی تأثیر گذاشته است یا

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

خیر مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به آنچه گفته شد و رقابت‌های فزاینده بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برای به دست آوردن منافع بیشتر در خلیج فارس، وضعیت چین به‌عنوان کشوری نیازمند به تأمین انرژی برای تداوم قدرت اقتصادی و تجاری به وسیله ابر پروژه یک کمربند-یک راه، گسترش حضور و نفوذ در خلیج فارس را در دستور کار قرار داده است. از این رو سؤال اصلی پژوهش بدین گونه مطرح می‌شود که چین با استراتژی موازنه‌سازی میان ایران و عربستان سعودی چه هدف‌های را در غرب آسیا و خلیج فارس دنبال می‌کند؟ یافته‌های پژوهش بدین گونه است که چین با همراهی ابر پروژه‌اش (یک کمربند-یک راه) اولاً به دنبال تأمین امنیت انرژی خودش می‌باشد و ثانیاً به دلیل تقابل آشکار و پنهان با نظم آمریکایی در منطقه غرب آسیا ضمن احترام به حاکمیت این دو کشور، باعث همسویی و حمایت از امنیت ایران و عربستان در قبال تحولات منطقه و اتخاذ سیاست موازنه‌سازی در منطقه غرب آسیا شده است. روش پژوهش این نوشتار روش کیفی مبتنی بر مفهوم موازنه‌سازی است. داده‌های نوشتار با تکیه بر منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۱- پیشینه پژوهش

الف: گروهی در مورد سیاست انرژی چین در غرب آسیا قلم زده‌اند: Turabi and Kaveh, 2022; Daneshnia et al., 2023; chen, 2021, Garlick, and Havlova, 2021, Hussain et all, 2021

ب: گروهی دیگر در مورد سیاست امنیتی چین در غرب آسیا تحقیقاتی را صورت داده‌اند: Azimi Far et al., 2021; Turki 2023,; Steve and Oskarsson, 2018, Ehteshami, 2018, Fulton, 2020, Burton, 2020. با توجه به بررسی‌های انجام شده، هیچ یک از پژوهش‌های موجود به استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ایران و عربستان سعودی اختصاص نیافته است. بنابراین نوشتار حاضر می‌تواند در زمینه مطالعه تلاش چین برای ارتقای جایگاه جهانی و جایگزینی هژمونی غرب در منطقه خلیج فارس مخصوصاً بعد از میانجی‌گری میان ریاض و تهران مورد توجه پژوهشگران روابط بین‌الملل قرار گیرد. برای دستیابی به این هدف بعد ارائه چارچوب نظری، ابتدا زمینه رقابت عربستان سعودی و ایران و منافع چین در خلیج فارس و متعاقباً استراتژی چین در رخدادهایی همانند جنگ ایران و عراق و بحران کویت مورد تبیین قرار می‌گیرد. این بررسی‌ها

تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

به‌عنوان پلی است که از آن می‌توان تحلیل کرد که چین چگونه روابط خود را با عربستان سعودی و ایران به‌ویژه در دوره‌های اخیر در پی حوادثی همانند اعدام روحانی شیعه سعودی، شیخ نمر النمر در سال ۲۰۱۶، و یورش به سفارت عربستان در ایران و در پی حملات پهپادی در سال ۲۰۱۹ به تأسیسات نفتی عربستان که ریاض تهران را به‌سازماندهی آن متهم کرد که تنش میان طرفین افزایش یافته بود، مدیریت کرده است. همچنین در مورد برداشت عربستان از توافقنامه ۲۵ ساله ایران و چین که اخیراً امضا شده است، بحث می‌شود و در نهایت ضمن نتیجه‌گیری مقاله به توافق‌نامه‌ای که با میانجی‌گری چین در پکن میان ایران و عربستان صورت گرفته است، تحلیل‌های ارائه می‌شود.

۲- چارچوب مفهومی: موازنه‌سازی منطقه‌ای

موازنه‌سازی منطقه‌ای مربوط به شرایطی است که زمینه‌های لازم برای ایجاد تعادل در منافع و حوزه نفوذ بین کنشگران اصلی سیاست منطقه‌ای به وجود آید. کشورهایی که از موازنه‌سازی منطقه‌ای در رفتار سیاسی، الگوهای راهبردی و برنامه‌ریزی دفاعی خود استفاده کنند، می‌توانند زمینه‌های مربوط به امنیت و توازن را فراهم کنند. موازنه منطقه‌ای در شرایطی دارای مطلوبیت است که زمینه‌های بحران‌سازی منطقه‌ای وجود داشته باشد. برای عبور از بحران و ایجاد توازن میان دو گانه‌های متضاد، نیاز مشهودی به سازمان‌دهی موازنه منطقه‌ای وجود دارد. سازمان‌دهی توازن منطقه‌ای نیازمند آن است که کشورها از ابزارهای متنوعی برای تولید قدرت استفاده کنند. بر همین اساس قدرت‌های منطقه‌ای ساختارهای امنیت منطقه‌ای را معین می‌کنند و توانایی‌های آن‌ها ممکن است در سطح منطقه‌ای قابل توجه باشد؛ اما قدرت‌های بزرگ در سطح نظام بین‌الملل ممکن است آن‌ها را در محاسبات خود در نظر نگیرند. سلسله مراتب قدرت جهانی و منطقه‌ای پایدار نیستند. همچنین نظم داخلی منطقه‌ها نتیجه تعامل میان دولت‌های خواهان برتری منطقه‌ای با دیگر دولت‌های آن منطقه است. هر توازن قدرت منطقه‌ای به شدت به دخالت‌های قدرت بزرگ و تعهدات آن‌ها به سیستم منطقه‌ای وابسته است. قدرت‌های بزرگ به دلیل قابلیت‌های برتر و وابستگی کنشگران منطقه‌ای به متحدان قوی‌تر، توانایی تأثیرگذاری بر موازنه قدرت منطقه‌ای را دارند. برای مثال حضور روزافزون چین در غرب آسیا در این زمینه ارزیابی می‌شود. زمانی که

کشنگران منطقه‌ای یا قدرت‌های بزرگ درصدد تغییر موازنه قدرت برآیند، در آن شرایط زمینه برای همکاری سایر کشنگران در چهارچوب ائتلاف منطقه‌ای یا بین‌المللی فراهم می‌شود. در این چهارچوب کشورهای ایران و عربستان به دنبال جلب همکاری و سرمایه‌گذاری قدرت‌های بزرگی همانند آمریکا، چین و روسیه هستند. در مورد چین باید گفته شود که پکن نیز از ایجاد موازنه میان قدرت‌های منطقه غرب آسیا ذینفع است و در واقع شالوده سیاست منطقه‌ای چین در غرب آسیا مبتنی بر اصل موازنه قدرت منطقه‌ای میان دو گانه‌های متضاد این منطقه است (Pir Salami and Mira Ahmadi, 2018: 5-7).

۳- رقابت عربستان سعودی و ایران و تصورات تهدید متقابل

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، موجب تغییر در سیاست دو ستونی ایالات متحده که مبتنی بر اتکا به ایران و عربستان سعودی برای مدیریت امنیت منطقه بود شد و به طور اساسی فضای سیاسی خلیج فارس را دگرگون کرد. این موضوع عربستان سعودی را نسبت به ایران و سیاست‌های منطقه‌ای آن محتاط کرد. خانواده‌های سلطنتی سنی عرب خلیج فارس با مشاهده جایگزینی رژیم سلطنتی ایران با جمهوری اسلامی، به پتانسیل گسترش ایدئولوژی‌های ضد سلطنتی و انقلابی اسلامی در سراسر مرزها واقف بودند و آن را نمونه‌ای از یک جمهوری مشروع مذهبی در منطقه در نظر داشتند. رهبران عربستان سعودی، که تا حدی مشروعیت خود را بر داشتن دو مکان مهم زیارتی اسلامی، مکه و مدینه استوار می‌دانند شیخ این تهدید فزاینده را به شدت احساس کردند. در این بین برجسته‌ترین دلیل رهبران سعودی واهمه آنان از جوامع شیعه در استان‌های نفت خیز شرقی عربستان بود که ممکن است با رژیم ایران احساس وابستگی کنند و بدین ترتیب ناآرامی‌های داخلی تشدید شود و تهدیدی مستقیم برای قدرت آل سعود شود. این نگرانی با برانگیختن نارضایتی در این مناطق بلافاصله پس از انقلاب ایران دامن زده شد. با این حال، به طور کلی رهبران ریاض نگران بودند که جاه‌طلبی‌های ایران برای رهبری بر همه مسلمانان می‌تواند بر نفوذ عربستان در خارج و مشروعیت در داخل تأثیر بگذارد. ایران به‌عنوان کشوری که به دنبال صدور نسخه انقلاب خود بود می‌توانست به‌عنوان یک تهدید مستقیم برای نظام حکومتی عربستان عمل می‌کند. در دهه‌های پس از انقلاب ایران، روابط ایران و عربستان به نمونه‌ای از رقابت طولانی مدت

تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

منطقه‌ای تبدیل شد، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۳ که حمله آمریکا به عراق اتفاق افتاد و بغداد را به عنوان رقیب بالقوه هژمونی منطقه‌ای حذف کرد. در حالی که در طول دهه ۱۹۸۰ همه نگاه‌ها معطوف به روابط ایران و عراق بود، روابط بین ریاض و تهران وخیم شد به طوری که عربستان در سال ۱۹۸۸ روابط دیپلماتیک خود را با ایران به دلیل تشدید تنش ناشی از حملات ایران به نفتکش‌های کشورهای عربی خلیج فارس در تنگه هرمز و اختلاف نظر در مورد سهمیه‌های زیارتی ایران قطع کرد (Keynoush, 2016: 54). علی‌رغم برخی از علائم گرم شدن روابط در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، که عمدتاً به واسطه روابط قوی بین رئیس‌جمهور سابق ایران رفسنجانی و ملک عبدالله پادشاه فقید سعودی تسهیل شد، تنش‌ها پس از به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری ایران در سال ۲۰۰۵ افزایش یافت. رهبران عربستان سعودی نگران فعالیت‌های غنی‌سازی هسته‌ای ایران و سیاست‌های خارجی آن در کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه در عراق بودند، زیرا برکناری صدام حسین فضای سیاسی را در کشور عراق ایجاد کرده بود که تهران بهتر از ریاض برای تعامل با آن آماده بود.

با ظهور انقلاب‌های عربی (بهار عربی) در سراسر خاورمیانه در سال ۲۰۱۱، روابط تهران و ریاض بیشتر رو به تیرگی نهاد. رهبران سعودی به‌طور فزاینده‌ای نگران بودند که ایران از احساسات ضد حکومتی در سراسر منطقه برای دامن زدن به بی‌ثباتی و ایجاد هرج و مرج در کشورهای عربی استفاده کند. این ترس به‌ویژه در مورد پیرامون اعراب شیعه و قربات احتمالی آن‌ها با ایران افزایش یافت. این موضوع زمانی آشکار شد که اعتراضات در بحرین با اکثریت شیعه آغاز شد و ریاض به سرعت نیروهای نظامی را برای محافظت از رژیم سنی آل خلیفه در برابر ناآرامی‌های داخلی اعزام کرد. هر دو کشور همچنین بر سر تحولات منطقه‌ای پس از قیام‌های عربی، به صورت ویژه در مورد سوریه به صف آرایی در برابر یکدیگر برخاستند. علاوه بر سوریه، تهران به جنبش انصارالله یمن که حوثی خوانده می‌شوند کمک کرده موضوعی که عربستان سعودی به شدت با آن‌ها مخالفت کرده است. در سال ۲۰۱۶، پس از اعدام شیخ نمر روحانی شیعه سعودی و حمله تلافی‌جویانه معترضان به سفارت عربستان در تهران روابط دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی بار دیگر قطع شد. در نتیجه تنش‌ها تا سال ۲۰۲۳ میان دو کشور و قبل توافقنامه این دو کشور با میانجیگری چین ادامه دار شد. بهترین نمونه از تنش میان آنان حملات موشکی به تأسیسات نفتی

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

عربستان در اواخر سال ۲۰۱۹ از یمن بود که ریاض، تهران را مقصر این حادثه خواند. در بحثی دیگر در طول دهه‌ها، مشاجره دو طرف در مورد تولید نفت در اوپک نیز از جمله موارد تنش میان طرفین است. هرچند در مواقعی که منافعشان به طور قابل توجهی به یکدیگر نزدیک شده بود، با یکدیگر همکاری کرده‌اند. با این وجود عربستان به همراه برخی از متحدان عرب خود، به‌ویژه اردن، بحرین و امارات متحده عربی ایران را امنیتی کرده‌اند و به دنبال ایجاد ائتلافی از دولت‌ها برای مقابله با بزرگ‌نمایی ایران در خاورمیانه و فراتر از آن هستند. این امنیتی کردن به‌ویژه در دوران محاصره قطر از سوی عربستان، امارات، بحرین و مصر که از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ ادامه یافت، مشهود بود.

با توجه به اینکه قطر و ایران بزرگ‌ترین میدان گازی جهان را دارند این واقعیت که تهران به‌عنوان یک محرک کلیدی در پس گسست دیپلماتیک بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌باشد، میزان تأثیرگذاری ایران بر ساختار امنیتی خلیج فارس را نشان می‌دهد. این مثال‌ها، در میان نمونه‌های دیگر، دلیلی است که چرا رقابت ایران و سعودی را جنگ سرد نامیده‌اند (Hiro, 2018: 87). اما از زمان روی کار آمدن سید ابراهیم رئیسی به ریاست جمهوری ایران در سال ۲۰۲۱، نشانه‌هایی از گرم شدن روابط میان طرفین ظاهر شده است، که نمونه بارز آن توافقنامه ایران و عربستان با میانجیگری چین در مارس ۲۰۲۳ بوده است.

۴- منافع چین در خلیج فارس

در دو تا سه دهه اول قدرت حزب کمونیست چین، خلیج فارس منطقه‌ای حاشیه‌ای برای پکن بود. در حالی که برخی از دستاوردهای دیپلماتیک توسط ژو انلای، نخست وزیر چین در کنفرانس باندونگ در سال ۱۹۵۵ به دست آمد، اما نگرانی‌های پکن عمدتاً بر حضور اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده در شرق آسیا متمرکز بود. در طول این دوره، چین تلاش کرد تا دولت‌های خلیج فارس را تشویق کند تا به رسمیت شناختن دیپلماتیک را از تایوان به جمهوری خلق چین در پکن تغییر دهند. رفتارهای دیپلماتیک تا حد زیادی به دلیل حمایت چین از جنبش‌های کمونیستی انقلابی در منطقه، از جمله شورشیان ظفاری در عمان و دیگر جنبش‌های انقلابی ضدسلطنتی، به‌علاوه این باور در میان نخبگان منطقه که چین با شهروندان مسلمان خود رفتار مناسبی ندارد، با

تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

مشکل مواجه شد. در اواخر دهه ۱۹۷۰، پس از مرگ عناصر انقلابی اولیه در رهبری چین، از جمله ژنرال لین بیائو، رئیس مائو تسه تونگ، و ژو انلای، رهبران پکن نیاز به تغییر مسیر سیاست‌های خارجی و داخلی چین و پذیرش اقتصادی و نوسازی و توسعه و توقف حمایت از گروه‌های انقلابی در خارج از کشور را اذغان کردند. برای تسهیل این امر، رهبری جدید، دنگ شیائوپینگ، برنامه‌ای را دنبال کرد که اولویت برقراری روابط دیپلماتیک و تجاری با دولت‌های سراسر جهان در رأس آن بود. تا پایان دهه ۱۹۷۰، جمهوری خلق چین تنها موفق به برقراری روابط دیپلماتیک با چهار کشور خلیج فارس، عراق (۱۹۵۸)، کویت (۱۹۷۱)، ایران (۱۹۷۱)، اگرچه پس از انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ مجدداً تأکید شد) و عمان شده بود (۱۹۷۸).

با تسلط جنگ ایران و عراق بر رویدادهای منطقه‌ای در دهه ۱۹۸۰، پکن فرصتی را برای ارتقای توانایی‌های خود به‌عنوان تأمین‌کننده تسلیحات، فروش بیش از ۶ میلیارد دلار تسلیحات به دو طرف اصلی و تهیه قراردادهای پر سود تأمین تسلیحات با سایر کشورهای منطقه دید. در واقع، عربستان سعودی که به طور فزاینده‌ای از خطر بزرگ‌نمایی ایران یا عراق آگاه بود، برای مو شک‌های بالستیک میان برد به چین روی آورد که نشان دهنده یک پیشرفت اساسی در روابط چینی که تا آن زمان از بین رفته بود و برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور را در سال ۱۹۹۰ تسهیل کرد. پیشرفت دیپلماتیک خیلی قابل توجه بود زیرا ریاض آخرین کشور خلیج فارس بود که پکن را به رسمیت شناخت (Burton, 2020: 94). مشروعیت داخلی حزب کمونیست چین به‌طور فزاینده‌ای بر روی امنیت اقتصادی و در بسط، امنیت انرژی متمرکز شد. تا سال ۱۹۹۳، منابع انرژی داخلی چین دیگر قادر به برآوردن نیازهای رو به رشد آن نبود. بنابراین، پکن به‌عنوان یک واردکننده خالص نفت، نیاز به دسترسی مطمئن به منابع انرژی خارجی داشت. بنابراین خلیج فارس به یک گزینه آشکار برای افزایش منافع چین تبدیل شد. از آن زمان، تجارت انرژی محور اصلی روابط چین و خلیج فارس بوده است. به دور از کاهش اهمیت، امنیت انرژی هر سال که می‌گذرد بیشتر و بیشتر در مشروعیت داخلی چین مرکزیت می‌یابد. تا سال ۲۰۰۹، چین به بزرگ‌ترین بازار وسایل نقلیه شخصی در جهان تبدیل شد که توسط طبقه متوسط رو به رشد آن تأمین می‌شد. علاوه بر این، صنعت ساخت و ساز و زیرساخت گسترده آن علاوه بر تولید و نیازهای برق روزانه، به حجم عظیمی از انرژی نیاز داشت. برای نشان دادن این آمار در سال ۲۰۰۰، چین ۴٫۸ میلیون بشکه

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

در روز نفت مصرف می‌کرد. این میزان مصرف چین در سال ۲۰۱۹ حدود ۱۴,۵ میلیون بشکه در روز مصرف شد. در نتیجه کشورهای خلیج فارس در برآوردن نیازهای انرژی جمهوری خلق چین بسیار مهم هستند. در واقع، در سال ۲۰۱۳، بیش از نیمی از کل واردات نفت چین از منطقه انجام شد و عربستان سعودی برای چندین سال در کنار روسیه، بزرگ‌ترین تأمین‌کننده چین در نظر گرفته شد. علاوه بر این، با افزایش علاقه جمهوری خلق چین به تنوع انرژی، توجه این کشور به واردات گاز معطوف شده است. خلیج فارس به طور مشابه میزبان ذخایر گاز فراوان است. ایران و قطر دارای دو ذخایر از سه ذخایر بزرگ گاز در جهان هستند. به این ترتیب، از منظر انرژی، بدیهی است که اهمیت خلیج فارس در محاسبات سیاست خارجی چین بیشتر خواهد شد. علاوه بر این، این منطقه دارای منابع قابل توجهی از مواد شیمیایی است که این‌ها برای صنعت عظیم تولیدی چین بسیار مهم هستند، چیزی که خلیج فارس را برای پیشرفت اقتصادی چین حیاتی‌تر کرده است (Fulton, 2019: 130).

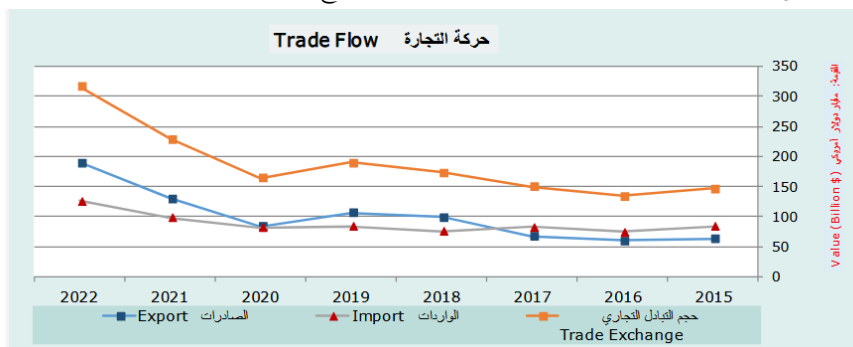
خلیج فارس علاوه بر کسب انرژی، مقصدی پرسود برای محصولات، سرمایه‌گذاری و زیرساخت‌های چینی به‌ویژه در حوزه انرژی بوده است. با توجه به صنعت ساخت و ساز در داخل کشور که کمتر از آن استفاده می‌شود، دولت چین مشتاق است تا شرکت‌هایش برای مشارکت در پروژه‌های زیرساختی در خارج از کشور با هدف محافظت در برابر انباشت بدهی به دلیل کار ناکافی در چین حضور یابند. شرکت‌های چینی در ابتکارات بی‌شماری در منطقه مملو از ثروت خلیج فارس از ساخت زیرساخت‌های مهم حمل‌ونقل در اماکن زیارتی عربستان سعودی تا سدها و زیرساخت‌های انرژی در ایران مشارکت کرده‌اند. این علاقه ویژه به راحتی با چندین ابتکار ملی در پادشاهی‌های خلیج فارس همسو شده است، مانند چشم‌انداز عربستان سعودی ۲۰۳۰، که به دنبال احیای اقتصادهای خلیج فارس و آماده‌سازی آن‌ها برای زندگی پس از منابع فسیلی است. این امر باعث افزایش همکاری چین و خلیج فارس در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، فناوری ماهواره‌ای و فناوری جی ۵ که سه حوزه مورد علاقه پکن است. علاوه بر این، خلیج فارس بازار پرسودی برای محصولات چینی است. در سال ۲۰۲۳، میزان کل مبادلات تجاری چین با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بالغ بر ۱۶۸,۲ میلیارد دلار بوده است (شکل ۱). در بین کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بیشترین حجم مبادلات تجاری چین با عربستان سعودی و حجم مبادلات تجاری این

تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

دو کشور شش ماهه اول ۲۰۲۳ بالغ بر ۵۵,۲ میلیارد دلار شده است. پس از عربستان، در رتبه دوم امارات متحده عربی با ۴۷ میلیارد دلار، در رتبه سوم عراق با ۲۴,۱ میلیارد دلار، در رتبه چهارم عمان با ۱۷,۲ میلیارد دلار، در رتبه پنجم قطر با ۱۲,۲ میلیارد دلار، در رتبه ششم کویت با ۱۱,۳ میلیارد دلار و بحرین با ۹۳۷ میلیون دلار در رتبه هفتم قرار گرفته‌اند (Economic Deputy of the Ministry of Foreign Affairs, 11 September 2023). همچنین پروژه بزرگ ۱ تریلیون دلاری شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، در طرح یک کمربند-یک جاده که برای افزایش اتصال در سراسر آسیا و اروپا، آفریقا و فراتر از آن طراحی شده است، ارتباط نزدیکی با انرژی، سرمایه‌گذاری، تجارت و ایجاد زیرساخت دارد. رهبران چین که در سال ۲۰۱۳ آن را به‌عنوان پروژه شاخص شی جین پینگ معرفی کردند امیدوارند که این طرح چین در مرکز تجارت بین‌المللی، به‌ویژه آسیایی قرار گیرد. برای دستیابی به این هدف، جمهوری خلق چین وزن مالی و سیاسی قابل توجهی را پشت سر پروژه‌های زیرساختی در سراسر آسیا قرار داده است. در میان کشورهای خلیج فارس، در حالی که ایران به وضوح بخشی از طرح چین است، از نظر جغرافیایی در کریدور اقتصادی چین-آسیای مرکزی-آسیای غربی قرار دارد، سایر کشورهای خلیج فارس نیز به طور گسترده‌ای بخشی از ابتکار عمل هستند و برای ابریشم دریایی و جاده و همچنین جاده دیجیتال ابریشم حیاتی خواهند بود. عربستان سعودی به عنوان دروازه‌ای به دریای سرخ، بخش مهمی از این پروژه است. در حالی که کشورهایی که در امتداد یک کمربند یک جاده قرار دارند ممکن است مزایای افزایش ارتباط تجاری با چین و سایر کشورهای شرکت‌کننده را در صورت لغو حمایت خود از این پروژه از دست بدهند، جمهوری خلق چین نیز به این نیاز دارد که قابل اعتماد به نظر برسد تا سایر کشورها تشویق شوند در این پروژه شرکت و سرمایه‌گذاری کنند، که این امر احتمال موفقیت طرح را به حداکثر می‌رساند (Chen, 2020: 13).

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

شکل-۱. تجارت میان چین و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۲



Bilateral trade between China and GCC countries in 2021



Fossil fuels exported to China in 2021



Source: China's General Administration of Customs

CCTN

(GCC STAT, 2022)

منطقه خلیج فارس به دلایل دیگری نیز برای چین دارای اهمیت است. در داخل کشور، نگرانی اصلی در پکن این است که اقلیت مسلمانان اوغور، که بیشتر آن‌ها در استان سین کیانگ در شمال غربی زندگی می‌کنند، می‌توانند در فعالیت‌های افراطی، تروریستی یا جدایی طلبانه شرکت کنند که در مجموع توسط جمهوری خلیج چین به عنوان سه شر تلقی می‌شود. سرکوب‌های دولتی، نظارت و سیاست‌های بازداشت به ادعای دولت‌های غربی مبنی بر اینکه پکن از حقوق بشر اوغورها سوء استفاده می‌کند، همواره مطرح بوده است. خلیج فارس خانه چندین کشور مسلمان با نفوذ است که همگی ادعا می‌کنند پرچمداران واقعی اسلام هستند؛ از جمله ایران و عربستان

تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

سعودی. بر این اساس، جمهوری خلق چین به دنبال استفاده از روابط خود با این کشورها برای توجیه سیاست‌های خود در سین کیانگ بوده است. حزب کمونیست چین با دریافت تأییدیه‌های اغلب ضمنی، هرچند گاهی آشکار، برای سیاست‌های خود در سین کیانگ، نوعی تقویت مشروعیت به دست آورده است. در واقع، در سال ۲۰۱۹ اکثر کشورهای خلیج فارس نامه‌ای به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد دادند که در آن حمایت خود را از سیاست‌های چین در سین کیانگ اعلام کردند. علاوه بر این، با توجه به فراوانی مذاکرات شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد مسائل امنیتی خلیج فارس، چین فرصت‌هایی را برای اعمال نقش خود به‌عنوان یک قدرت جهانی و به دست آوردن اهرم‌های حاکمیت جهانی برای تحقق منافع خود داشته است. به‌عنوان مثال، پس از یک دوره کوتاه انزوای بین‌المللی در پی حادثه میدان تیان آن من در سال ۱۹۸۹، همسویی ضمنی با ایالات متحده در طول بحران کویت نقش مستقیمی در معرفی مجدد جمهوری خلق چین به جامعه بین‌المللی ایفا کرد. علاوه بر این، فعالیت‌های دیپلماتیک مهم پکن در امضای توافق هسته‌ای ایران، برنامه جامع اقدام مشترک، در سال ۲۰۱۵، به‌طور مشابه به چین فرصت مناسبی داد تا رفتار خود را با انتظارات غرب همسو کند. این منجر به یک نکته نهایی می‌شود آن هم این که پکن به دنبال اجتناب از بیگانگی یا مقابله با ایالات متحده در خلیج فارس است. منافع گسترده آن در منطقه به معماری امنیتی ایالات متحده وابسته است و بر این اساس، در حالی که جمهوری خلق چین سیاست‌های مستقلی را در منطقه اتخاذ می‌کند، مانند تعامل نسبتاً نزدیک با ایران، نمی‌خواهد نظم منطقه‌ای موجود را برهم بزند و یا در مقابل واشنگتن قرار بگیرد.

۴-۱- استراتژی متنوع‌سازی روابط چین با کشورهای خلیج فارس

در طول دهه ۱۹۸۰، جمهوری خلق چین هر کاری می‌توانست برای حفظ روابط مثبت با ایران و عراق در طول جنگ خود انجام داد و در عین حال روابط با کشورهای عربی خلیج فارس را که هم نسبت به چین بدبین بودند و هم از بزرگ‌نمایی ایران یا عراق در منطقه بیمناک بودند، تقویت کرد. در طول جنگ، پکن هم تهران و هم بغداد را با مقدار قابل توجهی تسلیحات تأمین کرد. به طور دقیق، چین بزرگترین تأمین‌کننده تسلیحات ایران بود که بیش از ۲ میلیارد دلار تسلیحات به تهران صادر کرد و سومین تأمین‌کننده بزرگ عراق با ارسال حدود ۴ میلیارد دلار به بغداد بود (Burton, 2020: 87). البته باید توجه داشت که برخلاف عراق، ایران در طول جنگ برای تهیه

تسلیمات به هر دو کشور کره شمالی و جمهوری خلق چین متکی بوده است. بر این اساس، در حمایت از عراق و ایران، سیاست چین در مقایسه با همتایان بین‌المللی خود تقریباً منحصر به فرد بود. در حالی که قدرت‌های دیگر در مقاطع خاصی به ایران تسلیمات می‌دادند، سیاست تنوع‌بخشی روابط چین در طول مناقشه ادامه داشت و از طرف‌گیری برای منتفع شدن از هر یک از روابط دو جانبه اجتناب می‌کرد. از جمله تسلیماتی که به این کشورها صادر شد، موشک‌های ضد کشتی کرم ابریشم بود. استفاده تهران از این موشک‌ها علیه نفتکش‌های کویتی، روابط چین و ایران را در کانون توجه قرار داد و چالش‌های بالقوه‌ای را که روابط با ایران می‌تواند برای رهبری پکن به همراه داشته باشد، به ویژه از نظر خصومت از سوی ایالات متحده، برجسته کرد. قابل توجه است که روابط چین و عربستان در چارچوب استراتژی تنوع روابط چین به وجود آمد. ادراک تهدید کشورهای خلیج فارس در طول جنگ ایران و عراق به دلیل رقابت تسلیماتی منطقه‌ای که پکن نقشی محوری در تأمین سوخت بازی می‌کرد، افزایش یافت. بر این اساس، عربستان سعودی مشتاق بود تا موشک‌های بالستیک میان برد را در اختیار بگیرد. شاهزاده بندر بن سلطان که تا حد زیادی به دلیل عدم تمایل کنگره در آن زمان نتوانست تسلیمات مذکور را از واشنگتن تهیه کند، به توافقی محرمانه با چینی‌ها برای حدود ۵۰ موشک دست یافت. شاهزاده بندر در طول سفر خود به پکن همچنین تلاش کرد چین را از فروش تسلیمات به ایران منصرف کند، اگر چه به زودی پذیرفت که این یک تلاش غیرممکن است (Shichor, 1989: 100). این فروش برای هموار کردن راه برای به رسمیت شناختن دیپلماتیک متقابل چین و عربستان، نقطه عطفی بود که ریاض به دلیل روابطش با جمهوری چین و سوءظن باقیمانده نسبت به انقلابی بودن جمهوری خلق چین، مدت‌ها از آن اجتناب کرده بود. بر این اساس، دو بینش حیاتی پدیدار می‌شود. اول، ریاض حتی قبل از برقراری روابط با پکن، از روابط چین و ایران به‌ویژه در مورد انتقال تسلیمات ابراز نارضایتی کرده بود. دوم، روابط چین و عربستان در چارچوب حمایت گسترده چین از ایران و ناامنی منطقه‌ای شکل گرفت که پکن در دامن زدن به آن نقش داشت. از این منظر، روابط چین و عربستان هرگز به طور کامل از بستر گسترده‌تر روابط چین و ایران حذف نشده است. پس از تهاجم عراق به کویت، چین خود را میان دو منافع به ظاهر متضاد قرار داد. برای مدیریت وجهه بین‌المللی خود پس از سرکوب میدان تیان‌آن‌من، جمهوری خلق چین از قطعنامه ۶۷۸ شورای امنیت سازمان ملل

تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

که اجازه استفاده از نیروی نظامی برای بیرون راندن عراق از خاک کویت را می‌داد، رأی ممتنع داد اما و تو نکرد. در مقابل، با وجود اینکه چین واضح بود که تجاوز به حاکمیت کویت را غیرقابل قبول می‌دانست، اما همچنان به حفظ روابط نسبتاً نزدیک با عراق ادامه داد، چیزی که باعث شد محقق اسحاق شیکور ادعا کند که جمهوری خلق چین «سعی می‌کند کیک خود را بخورد و آن را داشته باشد... یعنی حفظ روابط خوب با همه طرف‌ها» (Yetiv et al, 2018: 54). بنابراین در حالی که پکن در بیان ترجیحات خود برای یک نتیجه خاص صریح بود، اما همچنان به دنبال روابط دو جانبه با عراق بود. در واقع با پایان یافتن بحران کویت، استراتژی تنوع روابط چین به یکی از عناصر اصلی استراتژی خلیج فارس این کشور تبدیل شده بود.

۲-۴- استراتژی موازنه‌سازی بلندمدت چین میان عربستان سعودی و ایران

از زمان سقوط عراق پس از تهاجم به این کشور به رهبری ایالات متحده در سال ۲۰۰۳، تمرکز اصلی جمهوری خلق چین در خلیج فارس بر روی ایران و عربستان سعودی بوده است. بر این اساس و بر خلاف ایالات متحده، که درگیر یک استراتژی بلندمدت برای جلوگیری از توسعه ایران و همراهی با عربستان سعودی می‌باشد، پکن روابط خود را با ریاض و تهران به دقت توسعه داده است. با این حال، این مقاله تأکید می‌کند که این سیاست چین از یک استراتژی مدیریت ریسک در صورت اختلال در آینده تأمین انرژی بهره می‌گیرد. جمهوری خلق چین به دنبال تقویت روابط با هر دو کشور است. بنابراین، قبل از مشاهده چگونگی هدایت چین در نقاط مناقشه و تنش شدید بین عربستان سعودی و ایران، علاوه بر مسائل حساس مانند امور امنیتی، به بررسی مختصر روابط جمهوری خلق چین با عربستان سعودی و ایران از دهه ۱۹۹۰ می‌پردازیم.

۲-۴-۱- روابط چین و جمهوری اسلامی ایران

از اوایل دهه ۱۹۹۰، علاقه چین به جمهوری اسلامی عمدتاً توسط منابع انرژی گسترده ایران تقویت شد. شرکت‌های چینی علاوه بر همکاری در زیرساخت‌های مرتبط با انرژی، در پروژه‌های بالادستی و پایین‌دستی متعددی مشارکت داشته‌اند. به طور کلی، در ۱۵ سال اول قرن بیست و یکم، چین و ایران قراردادهای انرژی به ارزش صدها میلیارد دلار امضا کردند، هر چند که چندین مورد از این قراردادها در نتیجه تردید چینی‌ها برای مشارکت در ایران به دلیل نوسانات مالی و سیاسی، بی‌ثمر پایان یافت. علاوه بر بخش انرژی در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی پکن در تکمیل

زیر ساخت‌های گسترده‌تر در جمهوری اسلامی نقش محوری ایفا کرده است، از جمله در ساخت سدها و زیرساخت‌های حمل و نقل مانند متروی تهران. بنابراین تجارت دوجانبه ایران و چین در دهه‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. تجارت سالانه که در سال ۲۰۰۱ تنها ۳,۳ میلیارد دلار ارزش داشت، از سال ۲۰۱۰ به طور مداوم بیش از ۳۰ میلیارد دلار بوده است و نقطه اوج آن در سال ۲۰۱۴ با حدود ۵۵ میلیارد دلار بود. در سال ۲۰۰۷، چین به بزرگترین شریک تجاری ایران تبدیل شد و ایران برای چندین سال یکی از بزرگ‌ترین تأمین کنندگان نفت چین بود (Minxing and Kaiyun, 2013: 76). ایران به دلیل ذخایر گازی که دارد مورد توجه چین قرار گرفته است. جمهوری خلق چین مایل به تنوع بخشیدن به منابع انرژی و و سالیلی است که از طریق آن انرژی به چین می‌رسد. اولاً، ذخایر گاز ایران به عنوان وسیله‌ای مفید برای کاهش وابستگی به نفت و زغال سنگ تلقی می‌شود. دوم، برخلاف سایر کشورهای خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، ایران می‌تواند از طریق زمینی به چین انرژی صادر کند و در صورت بروز اختلال در دریا یا روابط چین و روسیه، در زمان صرفه‌جویی کرده و یک استراتژی کاهش زمان به صورت بالقوه ارائه دهد. در واقع، طول زمانی قطارهای باری از تهران به شرق چین تنها دو هفته طول می‌کشد که نشان دهنده تضاد کامل با نزدیک به ۵۰ روز مورد نیاز نفتکش از منطقه است. علاوه بر این، ایران بخشی از کریدور اقتصادی چین - آسیای مرکزی - آسیای غربی در یک کمربند - یک راه است. به نظر می‌رسد که هر دو طرف عموماً علاقه‌مند به افزایش اتصال در این پروژه هستند. با این حال، همان‌طور که گارلیک و هاولوا خاطر نشان کردند، سرمایه‌گذاری چین در ارتباط با پروژه یک کمربند - یک راه در ایران در مقایسه با سایر کشورها کاهش یافته است، که تا حد زیادی به دلیل چالش‌های بی‌شمار ناشی از موقعیت متزلزل ایران در سیاست و بخش مالی جهانی است (Garlick and Havlová, 2020: 13).

با این حال، روابط چین و ایران همواره از متأثر از واشنگتن بوده است. در حالی که چین به طور مستمر روابط خود را با جمهوری اسلامی تقویت می‌کند و گهگاه مایل به مقاومت در برابر فشار آمریکا بوده است، پکن از چندین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تحریم تهران حمایت کرد. با انجام این کار و علی‌رغم تلاش‌های چین برای کاهش تحریم‌ها، دور زدن آن‌ها و ایجاد شتاب دیپلماتیک برای پایان دادن به آن‌ها در مذاکرات بین‌المللی هسته‌ای، هیچ‌کمانی بر

تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

این واقعیت وجود ندارد که این رابطه به دلیل تلاش‌های جمهوری خلق چین در نتیجه تیرگی روابط آمریکا و ایران از بین رفته است. متعادل کردن روابط با ایالات متحده بر این اساس، سطوح بی‌اعتمادی نسبت به چین از سوی برخی از بخش‌های جامعه ایران، از جمله سیاستمداران میانه‌رو به دلیل نقش جمهوری خلق چین در اعمال تحریم‌ها و متعاقب آن سوءاستفاده از بازارهای ایران، پدیدار شده است. در یک سند پژوهشی فارسی که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران انجام شده است، دولت صراحتاً اعلام می‌کند که نمی‌تواند از پکن انتظار داشته باشد که روابط چین و آمریکا را به خاطر ایران کاهش دهد. علاوه بر این، تردید طولانی مدت پکن تا سپتامبر ۲۰۲۱ برای اجازه عضویت کامل ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای و نگرانی برخی از ایرانیان در مورد انحصار بازارهای ایران توسط چین و کیفیت محصولات و زیرساخت‌های چینی، کاستی‌های این رابطه را نشان می‌دهد.

۲-۲-۴- روابط چین و عربستان

عربستان سعودی به‌عنوان کشوری با بزرگ‌ترین ظرفیت تولید نفت در منطقه، شریک حیاتی چین است. در سال ۱۹۹۹، جیانگ زمین، رئیس‌جمهور چین، اولین رئیس دولت چین بود که از عربستان سعودی بازدید کرد و این امر نشان‌دهنده اهمیت عمیق ریاض برای پکن است. در سال ۲۰۰۶ با شکستن سنت، ملک عبدالله که به تازگی تاجگذاری کرده بود، چین را به اولین مقصد خارجی خود تبدیل کرد و ارزش متقابلی را که برای روابط چین و عربستان در ریاض قائل بود، به نمایش گذاشت، البته بدون شک به لطف درآمدهای عظیم نفتی که از چین کسب می‌کرد این دیدار شکل گرفت. در واقع، تا سال ۲۰۱۱، تجارت چین و عربستان از تجارت ایالات متحده و عربستان پیشی گرفت و چین را به بزرگ‌ترین شریک تجاری عربستان تبدیل کرد. با توجه به اینکه تجارت چین با عربستان در سال ۱۹۹۰، ۱۵۴ برابر کمتر بود این پیشرفت را نمی‌توان نادیده گرفت. بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶، تجارت چین و عربستان سعودی بین ۴۴ تا ۷۳ میلیارد دلار در سال بوده است که نفت متداول‌ترین کالای مبادله شده است (Fulton, 2019: 18). برای چندین سال، عربستان سعودی اولین یا دومین تأمین‌کننده نفت چین (برای روسیه) بوده است، و این پادشاهی را با توجه به اتکای حزب کمونیست چین به نفت برای مشروعیت داخلی خود به شریکی حیاتی

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

تبدیل کرده است. عربستان سعودی نسبت به ایران در مورد مالکیت خارجی شرکت‌های انرژی داخلی و زیرساخت‌ها، موضع حمایت‌گرایانه‌تری دارد.

علاوه بر این، روابط چین و عربستان به لطف یک کمربند-یک راه چین به بلوغ بیشتری رسیده است. ساخت زیرساخت‌ها عامل مهمی در روابط طرفین است امری که نشان‌دهنده نقش برجسته شرکت‌های چینی در ساخت خطوط قطار برای اماکن زیارتی اسلامی بود. اما در بحث یک کمربند-یک راه نکته قابل توجه، منطقه جازان است. جازان که در دریای سرخ قرار دارد، علاوه بر اتصال دریایی گسترده به آسیا، برای افزایش ارتباطات بین کشورهای آفریقایی و خلیج فارس بسیار مهم است. بازدید وانگ‌یی وزیر امور خارجه چین در سال ۲۰۲۱ از پروژه شهر هوشمند عربستان سعودی، «نثوم»، موجب شد تا وی بر اهمیت همکاری دیجیتال و زیرساختی در روابط چین و عربستان تأکید کند. هر دو طرف مشتاق بوده‌اند که سرنوشت یک کمربند-یک راه، به‌ویژه جاده ابریشم دیجیتال و چشم‌انداز سعودی ۲۰۳۰ را به یک‌دیگر گره بزنند و از این طریق همکاری‌های آینده خود را تقویت کنند (Fulton, 2020: 370). در نهایت، با پیروی از سلسله‌مراتبی که چین در روابط خود با کشورهای منطقه اتخاذ می‌کند، پکن و ریاض در سال ۲۰۱۶ یک مشارکت استراتژیک جامع امضا کردند. در کنار امارات و ایران، عربستان سعودی تنها کشور دیگر خلیج فارس است که از این موقعیت برخوردار است. اخیراً، روابط چین و عربستان بر چارچوب ۱+۲+۳ متمرکز شده است که بر موارد زیر تأکید دارد: ۱. همکاری در انرژی ۲. تجارت و سرمایه‌گذاری، علاوه بر ایجاد زیرساخت و ۳. همکاری در زمینه‌های ماهواره‌های فضایی، انرژی هسته‌ای و انرژی‌های تجدیدپذیر.

۴-۲-۳- موازنه سازی بین ریاض و تهران

رهبران چین به‌عنوان امری ضروری در رابطه با پیگیری روابط با ریاض و تهران، محتاطانه تلاش کرده‌اند از ایجاد روابط امتیازی با یک کشور به قیمت از دست دادن دیگری اجتناب کنند. در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از رونمایی از پروژه یک کمربند-یک جاده، نمونه‌های روشنی از این احتیاط نشان داده شده است. به طوری که چین تا حدودی بر پرهیز از دور شدن از یک کشور به قیمت دیگری در دوره‌های تنش شدید در روابط ایران و عربستان تأکید داشته است. این واقعیت باعث شده است که چندین محقق ادعا کنند که چین درگیر حفاظت استراتژیک بین دو طرف

تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

است. دو مثال بارز این نکته را تقویت می‌کند. در سال ۲۰۱۶، در جریان سفر شی جین پینگ به چندین کشور خاورمیانه، جمهوری خلق چین یک مشارکت جامع استراتژیک با عربستان سعودی و ایران در عرض چند روز از یکدیگر امضا کرد که وضعیت روابط دیپلماتیک چین با هر کشور را به بالاترین سطح مجاز در عرصه بین‌المللی ارتقا داد. سفر شی در چند هفته پس از یکی از پرتنش‌ترین دوره‌ها در روابط عربستان و ایران، اعدام روحانی شیعه شیخ نمر النمر توسط عربستان و متعاقب آن یورش به سفارت عربستان در تهران انجام شد. با فروپاشی روابط دیپلماتیک بین ریاض و تهران و افزایش احساس ناامنی در هر دو پایتخت، پکن مراقب بود روابط خود را با هر دو کشور به طور همزمان گسترش دهد و از درگیر شدن در رقابت آن‌ها اجتناب کند. در واقع، هنگامی که در مطبوعات در مورد چگونگی واکنش جمهوری خلق چین به تنش بین دو کشور صحبت می‌شد رهبری چین به وضوح اعلام کرد که طرفی را انتخاب نخواهد کرد. امضای مشارکت استراتژیک همه جانبه با هر دو کشور در یک سفر، گواهی بر این استراتژی است (BBC News, January 19, 2016).

به‌طور مشابه، در اواخر سال ۲۰۱۹، چین تمرین‌های دریایی نظامی را به‌طور جداگانه با عربستان سعودی و ایران در عرض چند هفته از یکدیگر انجام داد. چین بدون شک با آگاهی از این که برگزاری تمرینات نظامی با یک کشور می‌تواند سیگنال اشتباهی را به دیگری در طول دوره تنش‌های شدید ارسال کند، رویدادهایی را ترتیب داد تا تعاملی مشابه با هر دو کشور را ایجاد کند. این اپیزود خاص از ایجاد تعادل دقیق تنها دو ماه پس از آن رخ داد که تأسیسات نفتی عربستان سعودی در بقیق و خریس هدف حملات پهپادی قرار گرفت، چیزی که ریاض، تهران را به سازماندهی آن از طریق نیروهای نیابتی در یمن متهم کرده بود. این امر اما یک بار دیگر نشان داد که پکن در دوره‌های تنش حاد حاضر به خطر دور شدن از هر یک از طرفین نیست زیرا به دنبال حملات هواپیماهای بدون سرنشین در اَبِقیق و خریس، پکن از انتخاب طرفی خاص خودداری کرد. در حالی که هوآ چونینگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، این حمله را محکوم کرد، وی همچنین تأکید کرد که هیچ مدرک روشنی برای اشاره به هیچ کشوری وجود ندارد و در نتیجه با ایالات متحده که ایران را به دلیل این حمله محکوم کرده است، مخالف است. هوآ بدون اشاره مستقیم به ایران، صرفاً از طرف‌های مربوطه خواست تا از انجام اقداماتی که موجب تشدید

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

تنش‌های منطقه‌ای می‌شود خودداری کنند. بنابراین یک بار دیگر، پکن نشان داد که تمایلی به درگیر شدن در رقابت ندارد و در عوض گسترش روابط با هر یک از طرفین را انتخاب کرد و از این طریق تلاش کرد بی‌طرفی هماهنگ را به نمایش بگذارد.

۴-۲-۴. توافق ۲۵ ساله چین و ایران، نقش عربستان سعودی

با توجه به این که رهبران ریاض تا چه اندازه ایران را تهدیدی، هم برای قدرت ماندگار داخلی و هم برای ثبات منطقه‌ای خود می‌دانند، جای تعجب نیست که آن‌ها با درک گرم شدن روابط بین قدرت‌های جهانی و جمهوری اسلامی، نارضایتی خود را ابراز کنند. برای مثال، علی‌رغم نقش محوری باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در تحریم ایران، رهبران عربستان سعودی به شدت نگران بودند که امضای توافق هسته‌ای ایران، برنامه جامع اقدام مشترک، بر موضع ملایم‌تر آمریکا در قبال ایران و امکان نزدیکی معنادار تأکید کند. با توجه به این نگرانی پیرامون روابط ایران با قدرت‌های جهانی، رهبران ریاض طی چندین دهه تمایل نشان داده‌اند که پکن را از حمایت ایران دور کنند. شاهزاده بندر بن سلطان در اوایل دهه ۱۹۸۰، قبل از برقراری روابط دیپلماتیک بین چین و عربستان سعودی و در طول سفر مخفیانه خود به جمهوری خلق چین برای دستیابی به موشک، سعی کرد رهبران چین را تشویق کند که از انتقال تسلیحات به ایران در دوران جنگ ایران و عراق بازدارد. با توجه به اینکه ریاض قبل از این سفر تلاش‌های کمی برای توسعه روابط با پکن انجام داده بود، جای تعجب نبود که این تاکتیک شکست خورد، به‌ویژه که ایران به مشتری برجسته تسلیحات چینی تبدیل شده بود (Shichor, 1989: 54). با این حال، این درخواست ثابت کرد که روابط چین و ایران از سوی رهبران عربستان سعودی بسیار ناخوشایند تلقی می‌شد. به همین ترتیب، پیش از قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ژوئن ۲۰۱۰، که تحریم‌ها علیه برنامه نظامی و هسته‌ای ایران را تشدید کرد، مقامات سعودی سعی کردند چین را تشویق کنند تا از تحریم‌ها علیه ایران حمایت کند، بدون اینکه تحریم‌ها را دور بزند یا آن را کاهش دهد. برای رسیدن به این هدف، مقامات سعودی پیشنهاد کردند که عرضه نفت به چین را تضمین کنند تا اطمینان حاصل شود که پکن می‌تواند بازار انرژی ایران را بدون نگرانی در مورد تأمین نیازهای انرژی خود ترک کند. این واقعیت که این موضوع در دیدار بلندپایه ملک عبدالله و یانگ جیچی، وزیر امور خارجه چین مطرح شد، بر اهمیت نقش ایران در روابط خارجی عربستان سعودی تأکید

تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

می‌کند. این نشست نیز مانند تلاش ریاض در دهه ۱۹۸۰، آنطور که ریاض امیدوار بود به پایان نرسید و جمهوری خلق چین همچنان در تلاش برای کاهش تحریم‌ها و تقویت ارتباط تجاری با ایران بوده است. در واقع، تجارت سالانه چین با ایران در سال‌های بعد رشد کرد و از حدود ۲۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ به میانگین ۴۱ میلیارد دلار بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ افزایش یافت (MacGillivray, 2019: 87).

امضای برنامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین در مارس ۲۰۲۱ نقشه راهی برای افزایش همکاری اقتصادی، نظامی و سیاسی بین پکن و تهران طی دو دهه و نیم آینده بود. برجسته‌ترین دیدگاه در میان مفسران سعودی این است که روابط چین و ایران، به‌ویژه در چارچوب توافق جدید، باعث نگرانی عربستان شده است. چندین تحلیلگر نگران‌اند که این توافق ایران را به ادامه کنش خود در منطقه تشویق کند. عبدالرحمن الرشید، رئیس سابق شبکه خبری العربیه سعودی، حتی مدعی شد که توافق چین و ایران می‌تواند نظم منطقه‌ای را که پس از جنگ جهانی دوم حاکم بوده است، بر هم بزند و در ادامه این سؤال را مطرح کرد که آیا این قرارداد نشان‌دهنده تمایل پکن برای عمل به‌عنوان حامی بین‌المللی برای ایران است (Al-Mushawah, 2021). در ارتباط با قرارداد ایران و چین نگرانی‌های ابراز شده توسط مفسران سعودی صرفاً به پیامدهای منطقه‌ای بالقوه نمی‌پردازد، بلکه بیشتر به این موضوع می‌پردازد که آیا چین را می‌توان یک شریک قابل اعتماد در نظر گرفت. الجلال، یک تحلیلگر سیاسی سعودی، موضع نسبتاً محتاطانه‌ای اتخاذ می‌کند و اظهار دارد که ایالات متحده و کشورهای خلیج فارس می‌خواهند بررسی کنند که چگونه این توافق می‌تواند تلاش‌های منطقه‌ای و جهانی آن‌ها را به چالش بکشد، به‌ویژه اگر چین از خاک ایران برای اهداف نظامی استفاده کند. الغامیدی، مفسر سیاسی سعودی، با صراحت بیشتری می‌نویسد: «نیت چین از نزدیک شدن به ایران مشکوک است. کشورهای عربی، به‌ویژه کشورهای عربی خلیج فارس، باید... به اهداف آینده چین در رابطه با نزدیک شدن به ایران دست یابند» (Al-Ateebi, 4 april 2021). در حالی که نمی‌توان مطمئن بود که این صداها کاملاً منعکس‌کننده نظرات نخبگان در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در ریاض هستند، چیزی که آن‌ها نشان می‌دهند این است که چین باید به روابط خود با کشورهای خلیج فارس ادامه دهد. وقتی در کنار نمونه‌های ذکر شده از تلاش‌های نخبگان سعودی برای تشویق پکن به دور شدن از تهران نیز توجه شود واضح است که این نظرات

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

با نظرات نخبگان سیاسی سعودی فاصله زیادی ندارد. از آنجایی که پکن به طور فزاینده‌ای به دنبال ایجاد تصویری مثبت از خود در منطقه، به‌ویژه در مورد برنامه یک کمربند-یک جاده است، قابل اعتماد بودن مهم است. این برداشت‌ها از توافق چین و ایران نشان می‌دهد که روابط چین و ایران، اگر نه اکنون روزی می‌تواند منبع تنش در روابط چین و عربستان باشد.

با این حال، نکته مهم این است که چندین مفسر سعودی دیدگاه متفاوت و متعادل‌تری را ارائه و استدلال می‌کنند که چین روابط خود با عربستان سعودی را به نفع ایران کاهش نخواهد داد. فهاد عرعیشی، متخصص انرژی‌های تجدیدپذیر عربستان و فرستاده به چین، ضمن اشاره به نگرانی خود از اینکه توافق چین و ایران می‌تواند تهران را تشویق به ایجاد نوسانات بیشتر در خاورمیانه کند، ادعا می‌کند که «این توافق تأثیری بر روابط آینده چین با کشورهای عربی نخواهد داشت. مگر اینکه پکن از ایران در برابر کشورهای حاشیه خلیج فارس حمایت نظامی کند، که با توجه به منافع گسترده چین در آنجا، چنین رخدادی بعید است. به طور مشابه، دانشگاه سعودی، بن کاسب، و تحلیلگر سیاسی سعودی، الزعتر، هر دو معتقدند که اهمیت این توافق بیش از حد اغراق شده است. بن کاسب می‌گوید: «ایران مانند کشتی در حال غرق شدن است. روابط چین با کشورهای منطقه تحت تأثیر همکاری این کشور با تهران قرار نخواهد گرفت. الزعتر این موضوع را ادامه می‌دهد و تأکید می‌کند که پکن از رژیم ایران حمایت سیاسی نمی‌کند و جمهوری خلق چین هرگز روابط خود را با سایر کشورهای خاورمیانه به خطر نمی‌اندازد تا از جمهوری اسلامی حمایت و مشروعیت سیاسی به آن بدهد. در راستای این اظهارات، العابدی، تحلیلگر سیاسی سعودی، به صراحت بیان می‌کند که منافع پکن در خلیج فارس از منافع آن در ایران بیشتر است. تفاسیر بالا نشان دهنده نگاه متعادل‌تری به این موضوع است، یعنی اعتقاد به اینکه روابط چین و عربستان علی‌رغم تحولات اخیر در روابط چین و ایران رونق خواهد گرفت. وقتی از منظر تاریخی نگاه کنیم، این ادعا احتمالاً درست است. در حالی که مقامات سعودی تلاش کرده‌اند با چین برای توقف حمایت خود از ایران لابی کنند، روابط چین و عربستان علی‌رغم پیشرفت نسبتاً مشابه در روابط چین و ایران به طور مداوم توسعه یافته و به بلوغ رسیده است (Houghton, 2022: 16).

با این حال، مشاهده تحلیل‌های مفسران سعودی در کل، دیدگاه متعادلی را نشان می‌دهد. روابط چین و ایران این نگرانی را در عربستان ایجاد می‌کند که ایران ممکن است از رابطه خود با

تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

چین به مشروعیت بیشتری دست یابد و در نتیجه برای دنبال کردن سیاست‌های خارجی که ریاض مخالف آن است، جسارت بیشتری یابد. علاوه بر این، روابط پکن با تهران ممکن است به‌عنوان خاری در روابط چین و عربستان عمل کند، به‌ویژه اگر روابط نظامی گسترده‌ای ایجاد شود که مستقیماً کشورهای عرب خلیج فارس را تهدید کند. این می‌تواند به وجهه چین در منطقه آسیب برساند و مانع از دستیابی به منافع بی‌شمار این کشور در خلیج فارس شود. با این حال، در حال حاضر، به نظر می‌رسد که چین از مرز خود فراتر نرفته است. در حالی که نگرانی‌ها در مورد روابط چین و ایران ممکن است در میان تحلیل‌گران سعودی گسترده باشد، آن‌ها عمدتاً معتقدند که کشورهای عربی خلیج فارس برای چین مهم‌تر از جمهوری اسلامی هستند. بر این اساس، بعید است که مسائل مرتبط به روابط چین و عربستان متأثر از روابط پکن با تهران باشد.

نتیجه‌گیری

ایجاد توازن در روابط با رقبای منطقه‌ای و تلاش برای فراتر از منازعات امنیتی بین بازیگران منطقه‌ای به الگویی ثابت در رویکرد چین به خلیج فارس و در واقع خاورمیانه تبدیل شده است. جمهوری خلق چین که مشتاق به حداکثر رساندن دستاوردهای خود در منطقه بدون جدا کردن هیچ شریکی است، درگیر یک استراتژی هماهنگ برای مدیریت روابط با رقبای منطقه‌ای، به‌ویژه عربستان سعودی و ایران شده است. از زمان آغاز روابط چین با عربستان سعودی و در واقع حتی قبل از آن، عربستان سعودی تلاش کرده است چین را از جمهوری اسلامی دور کند. تا حد زیادی، ریاض تأکید کرده است که می‌تواند هر گونه ضرر ناشی از قطع روابط چین با ایران را جبران کند. اما به دلایلی همچون؛ ذخایر گاز فراوان ایران، بازارهای استفاده نشده، فرصت‌های انرژی کم بهره‌برداری شده، موقعیت جغرافیایی و تمایل سیاسی برای هم‌سویی با چین در صورت تنش در روابط چین و آمریکا، چین مطمئناً روابط خود را با ایران را حفظ کرده و تقویت می‌کند. تحلیل بحث در عربستان سعودی پیرامون توافقنامه ۲۵ ساله اخیر ایران و چین، موضوعات مهمی را برجسته می‌کند. اول، نگرانی گسترده‌ای در میان تحلیل‌گران سعودی وجود دارد که این توافق می‌تواند حضور ایران را در منطقه بیشتر کند. دوم، چندین تحلیلگر به نگرانی خود در مورد نیت چین اشاره می‌کنند و این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا جمهوری خلق چین شریک قابل اعتمادی

برای کشورهای عرب خلیج فارس است و خواهد بود. با این حال، موضوع مشترک مشابهی در این باور تجسم یافته است که منافع چین در کشورهای عربی خلیج فارس در نهایت بر منافع این کشور در ایران برتری خواهد داشت، به این معنی که عربستان سعودی در بلندمدت ترسی از روابط چین و ایران ندارد. با این حال، آنچه از همه تفسیرها مشخص است این است که عدم اطمینان در روابط چین و عربستان در حال شکل گیری است. شکاف هایی در استراتژی چین پدیدار شده است و سؤالاتی در مورد نیات و قابلیت اطمینان پکن مطرح می شود. در حالی که این پرسش ها ممکن است بدون هیچ گونه آشفتگی قابل توجهی در روابط چین و عربستان به پایان برسد، به ویژه زمانی که سعودی ها مزایای اقتصادی گسترده ای را که روابط با چین به همراه دارد یادآوری می کنند، اما همواره روابط چین و ایران موضوع ویژه در ریاض است.

روابط تازه عربستان و ایران با میانجیگری چین در اسفند ۱۴۰۱ ممکن است به یک پیوند شیرین تبدیل شود که بر اساس منافع ملی و با محاسبات سیاسی و اقتصادی شکل گرفته است و یا ممکن است تبدیل به یک ازدواج ناخوشایند شود- ازدواجی که توسط برنامه های ایدئولوژیک و منطقه ای متفاوت نابود می شود. در واقع، رقابت های نیابتی آن ها در روابط شان مخرب بوده، امنیت دو طرف را تضعیف، اقتصادشان را مختل و جوامع آن ها را متأثر کرده و یمنی ها، سوری ها، عراقی ها، لبنانی ها و بحرینی ها طعم آن را چشیده اند. بهترین روش این است که ریاض و تهران اکنون یک موضع مشترک و قاطع در مورد مداخله خارجی، به ویژه حمایت غرب از استعمار و آپارتاید اسرائیل اتخاذ کنند- که پیش بینی می شود تنها رژیم می باشد که آشکارا با تنش زدایی جدید خلیج فارس مخالفت می کند و بدون شک مصمم به خرابکاری است. آن ها هم چنین باید تمام تلاش های قدرت های جهانی- که شامل چین هم می شود- برای مداخله مستقیم یا از طریق نیابتی هایشان در خاورمیانه را رد کنند. پکن که میان ریاض و تهران میانجی گری کرد و میزبان آخرین مصافحه این جشن بود، به عنوان بزرگ ترین برنده قرارداد جدید ظاهر شد. این کشور به عنوان یک بازیگر مسئولیت پذیر جهانی اعتبار بیشتری کسب خواهد کرد، زیرا به حل یک درگیری پیچیده در منطقه ای سخت که بخشی از منطقه تحت نفوذ ایالات متحده محسوب می شود، کمک کرده است. علاوه بر این، چین به عنوان حامی این توافق احتمالاً می خواهد درگیر این ماجرا باقی بماند تا روند آشتی و عادی سازی را ببیند تا دسترسی بیشتری به منطقه نفت خیز مورد نیازش

تبیین استراتژی موازنه‌سازی چین در قبال ج.ا. ایران و عربستان سعودی

برای تأمین انرژی اقتصاد و ارتش خود در بلندمدت را داشته باشد. به عبارت دیگر، بر خلاف سایر میانجی‌گری‌های منطقه‌ای که برای آن‌ها هزینه داشت، این امر می‌تواند برای چین و به ضرر رقیب جهانی آن، ایالات متحده، سودآور باشد.

Translated References to English

- Al-Ateebi, A.B.B. (2021). 'Iran and China's Deal of the Century]. al-Sharq al-Awsat,. <https://aawsat.com/home/article> (in Arabic)
- Al-Mushawah, H. (2021). China, Iran and the Quarter of a Century Alliance. Saudi Gazette,. <https://saudigazette.com.sa/article/605966/Opinion/ChinaIran-and-the-quarter-of-a-century-alliance>
- Alterman, Jon B. (2018). China, the United States, and the Middle East. in James ReardonAnderson (Ed.), *The Red Star and the Crescent: China and the Middle East*. London: C. Hurst & Co.
- BBC News. (2016). China's President Xi Visits Saudi Arabia to Improve Ties. <https://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-35351391>.
- Burton, G. (2020). *China and Middle East Conflicts: Responding to War and Rivalry from the Cold War to the Present*, Oxon: Routledge.
- Chen, C.K. (2020). China in the Middle East: An Analysis from a Theoretical Perspective of "Path Dependence". *East Asia*. <https://doi.org/10.1007/s12140-020-09352-9>
- Economic Deputy of the Ministry of Foreign Affairs. (2023). China's trade exchanges in the six months of 2023. <https://economic.mfa.ir/portal/newsview/727692> (In Persian).
- Fulton, J. (2019). *China's Relations with the Gulf Monarchies*. Oxon: Routledge.
- Fulton, J. (2020). Situating Saudi Arabia in China's Belt and Road Initiative. *Asian Politics and Policy* Vol. 12. Issue 3.
- Garlick, J., Radka, H. (2020). The Dragon Dithers: Assessing the Cautious Implementation of China's Belt and Road Initiative in Iran. *Eurasian Geography and Economics*.
- Gccstat. (2022). Economic Relations Gulf Cooperation Council (GCC) & China. https://gccstat.org/images/gccstat/docman/publications/China_1.pdf.
- Hiro, D. (2018). *Cold War in the Islamic World: Saudi Arabia, Iran and the Struggle for Supremacy*. London: C. Hurst & Co.
- Houghton, B. (2022). China's Balancing Strategy Between Saudi Arabia and Iran: The View from Riyadh. *Asian Affairs*, 2022 Vol. LIII, no. I, 124–144.
- Keynoush, B. (2016). *Saudi Arabia and Iran: Friends or Foes?*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- MacGillivray, I. (2019). Maturing Sino-Saudi Strategic Relations and Changing Dynamics in the Gulf. *Global Change, Peace & Security* Vol. 31. Issue 1.

- Minxing, H., Kaiyun, J. (2013). China and Iran: Special Economic Partners. in Tim Niblock and Monica Malik (Eds.), *Asia-Gulf Economic Relations in the 21st Century: The Local to Global Transformation*. Berlin: Gerlach Press.
- Pirsalami Arghwani, F., Mira Ahmadi, S. (2018). Explanation of China's regional balancing policy in the Middle East. *World Politics Quarterly*, Volume 8, Issue 2, Summer **(In Persian)**.
- Shichor, Y. (1989). East Wind over Arabia: Origins and Implications of the Sino-Saudi Missile Deal. *China Research Monography* No. 35, Berkeley: Institute of East Asian Studies, University of California.
- Turabi, Q., Kaveh, A. (2022). China's Silk Road Initiative and Energy Security in West Asia. *Central Eurasian Studies*, Volume 15, Number 1, Spring and Summer. **(In Persian)**
- Yetiv, S., Katerina, O. (2018). *Challenged Hegemony: The United States, China, and Russia in the Persian Gulf*. Stanford: Stanford University Press.